

رمز و راز تدریس موفق



سماحه صاحبی
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی و
آموزشی

تدریس خوب عملی سخاوتمندانه است، همچون میهمان‌نوازی است. در طول دوران تحصیلمان، از معلمان زیادی می‌توانیم یاد کنیم، از معلمی که همچون باران، باعث شده است بارش اندیشه‌ها را بر مغز و ذهنمان احساس کنیم تا معلمانی که سخت و خشک، فقط پاسخی را تلقین کرده‌اند. در این نوشتار، می‌خواهم چند راز یک تدریس خوب را بر ملا کنم:

۱. شرح حال نویسی و

تأمل درونی دانش‌آموزان:

در فرهنگ آموزشی ما، عینیت‌گرایی و تمرکز بر دنیای بیرون از خود به حدی رواج پیدا کرده

است که انگار اصلاً مهم نیست مطالب درسی به درون ذهن بروند. نتیجه این می‌شود که ما تحصیل کرده‌های فراوانی داریم که اطلاعات زیادی در مورد عملکرد و روابط بیرونی جهان دارند؛ اما چیز کمی از درون خود می‌دانند. با برقراری پیوند میان دانش و زندگی شخصی می‌یابد، دانش‌آموزان، علاوه بر اینکه یادگیری افزایش می‌یابد، دانش‌آموز به خودشناسی بهتری نیز دست می‌یابد. ما معلمان می‌توانیم به دانش‌آموزانمان نشان دهیم که چگونه مباحث درسی و ایده‌ها و ارزش‌هایی که در کتاب‌های درسی از آن‌ها صحبت می‌کنیم، با زندگی واقعی ما مرتبط هستند. بسیاری از دانش‌آموزان از اینکه بدانند معلمشان که به واسطه‌ی مرزهای بی‌منطق سنی و جایگاهی از آن‌ها فاصله گرفته است نیز مباحث کتاب درسی را به زندگی واقعی‌اش ارتباط می‌دهد و به بیان این خاطرات می‌پردازد، بسیار هیجان‌زده می‌شوند.

۲. شنیدن گفتار دانش‌آموزان:

تدریس خوب به این موضوع بستگی دارد که چه تعداد دانش‌آموز را وارد گفت‌وگو می‌کنیم. ما معلمان باید بدانیم ممکن است بسیاری از دانش‌آموزان سکوت را دوست داشته باشند و وارد میدان پرخطر تعامل نشوند. دلیل آن شاید تبدیلی نباشد، بلکه نداشتن اعتمادبه‌نفس یا درحاشیه‌بودن باشد. پس لازم است چراغ محیطی را برافروزیم که در آن صداهای خاموش شنیده شود. یکی از راه‌های بلندکردن صدای خاموش دانش‌آموزان من‌زوی «همدلی‌کردن» با آن‌هاست. علاوه بر آن، می‌توانید به هر دانش‌آموز سهمیه‌ای را برای صحبت کردن (مثلاً سه بار در یک جلسه) بدهید. بدین طریق می‌توانید دانش‌آموزانی را که انتظار دارند همیشه صحبت کنند، کنترل کنید و فرصت عادلانه‌ی صحبت به همگان داده شود.

۳. گفت‌وگو درباره‌ی حقیقت:

ایجاد فضایی برای گفت‌وگو و شنیدن افکار یکدیگر و در معرض باران اندیشه‌ها قرار گرفتن،





برمی‌خیزد)، و گرنه معلمانی که در پشت نمره یا فریادهای بلند به دنبال اقتدار هستند، زمان زیادی است که در نزد دانش‌آموزان اقتدار خود را از دست داده‌اند. هر چند خود را به غفلت زده باشند و این حقیقت را نبینند.

سخن آخر

ما معلمان پشت نقاب فن تدریس، موفق به ارائه‌ی تدریس خوب نخواهیم شد. دانستن آخرین الگوهای تدریس لازمه‌ی معلمی است؛ اما آنچه یک تدریس خوب به آن نیاز دارد، حس عمیق حضور داشتن معلم و دانش‌آموز در دنیای مطالب درسی است که حاصل ایجاد پیوند آن‌ها با زندگی فردی و جمعی است. این هدیه‌ی است که معلمان نثار دانش‌آموزان خود می‌کنند. آن‌ها به همان اندازه که به تدریس دل می‌دهند، می‌توانند به دانش‌آموزان خود نیز دل دهند. این چیزی است که نتیجه‌ی یک تدریس خوب است.

بررسی کند و در مرحله‌ی آخر با بیانی مناسب و منطقی آن را ارائه دهد. در این مسیر حرکت از بیرون به درون و دوباره به بیرون، ما معلمان و نیز دانش‌آموزانمان رشد چندجانبه‌ی زیادی را تجربه خواهیم کرد.

۴. داشتن شهامت:

تدریس خوب به شهامت نیاز دارد. شهامت اینکه جهل خود را بپذیریم و از طرف دیگر توان تحمل نگاه‌های متعدد را داشته باشیم. گمان نکنیم فقط خودمان درست فکر می‌کنیم. معلمی که این شهامت را دارد، این فرصت را به دانش‌آموزان نیز می‌دهد که در آینده‌ی صاف و زلال، خود را دیده و به دور از غرور و تکبر، در مسیر رشد خود گام بردارد. این موضوع همان خودشناسی است که در دین ما بسیار بر آن تأکید شده است و آن را مقدمه‌ی خودشناسی می‌داند. موضوع مهم این است که اقتدار معلم به‌واسطه‌ی صداقت و البته تلاش برای دستیابی به آخرین یافته‌های علمی به‌دست می‌آید (در واقع از درون وی

همان فضای سخاوتمندانه‌ای است که در ابتدای صحبت در توصیف یک تدریس خوب گفتیم. هر چقدر بیشتر بتوانیم به دانش‌آموزان القا کنیم که نباید ایراد بگیریم، نصیحت کنیم و صحبت خودمان را به کرسی بنشانیم، فضای گفت‌وگوی صمیمانه‌تر، سخاوتمندانه‌تر و میهمان‌نوازانه‌تری خواهیم داشت. زمانی که دانش‌آموزان این میهمان‌نوازی از اندیشه‌ها را ابتدا از ما معلمان بیاموزند، حتماً در مواجهه با صحبت دوستانشان نیز پذیرش بالاتری خواهند داشت. می‌توان در حلقه‌ی گفت‌وگو، کاغذهای کوچکی را به دانش‌آموزان داد تا نظر شخصی‌شان را درباره‌ی موضوعی درسی بنویسند. کاغذها را بدون ذکر نام جمع و سپس دوباره میان دانش‌آموزان توزیع کنیم. بعد، از هر دانش‌آموز بخواهیم آن را با صدای بلند بخواند. او شصت ثانیه فرصت دارد تا نظر موافق یا مخالف خود را در مورد نوشته‌ی دوستش بگوید. اینجاست که می‌آموزد ابتدا مطلب را خوب درک کند، سپس به درون خود برگردد و مواضع موافقت و مخالفت خود را